

## باسمه تعالی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و صل الله على سيدنا محمد (ص) و آله الطاهرين، سيما بقیة الله في الارضين.

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)

در قرآن مجید، در سه جا، یکی در سوره بقره آیه ۱۲۹ یکی دیگر هم در سوره آل عمران آیه ۱۶۴، و یکی دیگر هم در سوره جمعه آیه ۲ در این سه جا رسالت پیغمبر اکرم (ص) را در سه مسئله خلاصه میکنم، در این آیه دوم که من برای شما تلاوت کردم، میفرماید، (يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ) آیات قرآن را برای مردم بیان کرد، دوم (يُزَكِّيهِمْ) بشر را از این صفات رذیل و صفات زشت نجات میخواهد بدهد و سوم مسئله تعلیم، این سه مسئله مهمترین مسائل رسالت پیغمبر اکرم بود که در سه سوره صریحا بیان کرده، از طرف دیگر قرآن مجید ما میدانیم که قسم هایی یاد کرده گاهی یک قسم خورده (وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ) گاهی دو قسم خورده، (لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ) گاهی سه چهار قسم خورده، (وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ) الی آخر. خدا برای چه چیزی قسم میخورد؟! ما گاهی قسم میخوریم برای اثبات مطلبمون، که ما خلاف واقع نمیگوییم، آیا خداوند متعال قسم میخورد که ما خلاف واقع نمیگیم؟! این که معنا ندارد! خداوند متعال که قسم میخورد، برای اهمیت و عظمت مقسم علیه است، آنچه را که بعد از آن بیان میکند خیلی مهم است! آگاه و هوشیار باشید، در ادبیات عرب هم همینطور است، هنگامی که جابر به امام سجاد برخورد، در بازگشت به شام، هنگامی که به کربلا رسیدند، تا چشم امام سجاد (ع) به جابر افتاد، فرمود: (یا جابر ها هنا والله قتلت رجال) جابر محو شخصیت اهل بیت است، برای چه امام سجاد (ع) قسم میخورد؟! برای اهمیت مطلب، یکجا در قرآن ما داریم که حدود یازده قسم خورده! این چیز کمی نیست! یازده تا قسم خورده خداوند بزرگ، (وَالشَّمْسِ وَضُحَىٰ هَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا) الان یه نفر از در مسجد وارد بشه! بگوید عزیزان، به خدا قسم به امام زمان قسم، به کعبه قسم، به قرآن قسم! (میخواهد چه بگوید؟!؟) خدای بزرگ یازده تا قسم میخورد، بعد از یازده قسم میگوید، بشر (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا) میدونید چه کسی رستگار شد؟!؟ علما؟!؟ مجاهدین؟!؟ ثروتمندان؟!؟ یا برهنه ها؟!؟ نه! میگوید آن هایی که توانستند صفات رذیله را از خودشان دور کنند، بله (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا) چه چیزی تو این قضیه تزکیه خوابیده؟!؟ چه مقاماتی؟!؟ چه نعمت هایی؟!؟ چه درجاتی؟!؟ چه مراتبی؟!؟ چه خبر است؟!؟ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا) حالا شما عزیزان که اهل علم و دانش هستید برایتان میگویم، میدانید عرب کلمه (فَلَحَ) را کجا به کار میبرد؟!؟ شما یه دانه ای را در زمین میکارید، بزرگر بذر را روی زمین میکارد! روی این بذر خاک ها ظلمات روی هم طبقه طبقه روی هم قرار میگیرند، این بذر در دل خاک جوانه میزند، از وسط این شکاف بر میدارد (رب الفلق) از وسط این شکاف یه جوانه ای نازک و لطیف می آید بیرون (این قدرت خداست) این جوانه لطیف با خاک ها و گل ها و کلوخ ها کلنجا میشود تا سرش را از خاک بیاورد بیرون، تا این اتفاق می افتد عرب میگوید، فلاح البذر، یعنی بذر رستگار شد، حالا در قرآن که میگوید (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا) دقت کنید، ظلمات روی ظلمات روی وجود ما خوابیده، خودخواهی ها، خود بینی ها، خود پسندی ها، ظلمات فوق ظلمات، روی وجود ما خوابیده، حرص ها و طمع ها، حب

افراطی های دنیا و چه و چه و چه!؟ میگوید ای انسان میدانی کی میتوانی رستگار شوی!؟ میگوید هنگامی که بتوانی خودت را از این ظلمات نجات بدهی، با واسطه از مرحوم استاد شهید مطهری شنیدم که این اواخر شبهای پنجشنبه و جمعه می آمد قم، و یه درسی هم راه انداخته بود آنجا، شنیدم این جمله را در قم فرمود به طلاب: حیف است که ما چهل سال، سی سال بگیم روحانی هستیم! اما از آن لذت های روحانیت هیچ ذائقمون بهره مند نشود. شغل شما چیست!؟ من روحانی ام، خب روحانیت چیست!؟ کدام فضا، فضای روحانیت است!؟ کدام فضا، فضای معنویت است!؟ میگوید حیف است، آن وقت در مقابل (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا) قرآن چه میگوید!؟ میگوید (وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا) خاب به معنای خسر، به معنای خسران و زیان، ورشکستگی، زمین خوردن، جاموندن.

دساها چیست!؟ آن کسی که نفس نفییش را به گناه آلوده کرد، به این اعمال زشت آلوده کرد! خوب این اهمیت این مسئله را نشان میدهد، عالمی میتواند دارای ثمرات فراوان باشد که تزکیه کرده باشد، مجاهدی میتواند ثمر بخش باشد که تزکیه کرده باشد! ثروتمندی میتواند بهره به جامعه برساند هنگامی که تزکیه کرده باشد، (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا) این یک مسئله! حالا یه مسئله دیگر آنکه، همه شما عزیزان شنیدید یا خوندید عزیزان! قرآن دارای بطن است، بطن دارای بطن است، (الی سبعة ابطن) اگر بگویم آن سبعة برای تکثیر است الی فلان. تأویل یعنی چی!؟ این آیه که من میخوانم یک ظاهری دارد! (يَتَابَتِ إِيَّيْ رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ) این یک ظاهری دارد، من میفهمم، شما میفهمید، همه میفهمند، بعد از سی چهل سال وقتی که این کاروان کنعان به مصر رفت آن واقعه، آن عظمت معلوم شد، بعد میگوید (هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ ...) این تأویل و بطن آن خواب من بود، این را داشته باشید، تمام آیات به اعتراف علامه طباطبایی، این ها تأویل دارد، بطنی دارد، قرآن (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) تأویل دارد! حالا من میخواهم یک سوالی بکنم، یه همچین کتابی یه همچین حقیقتی، یه همچین گنجینه ای که (لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) خوب من و شما چطور!؟ نمیتوانیم بهره برداری کنیم!؟ مگر میشود خداوند متعال... خداوند متعال که بخیل نیست، (هدی للناس) من و شما چطور!؟ میخواهم استفاده کنم!؟ چطور باید استفاده کنم!؟ کلیدش را، کلید بهره برداری را خود قرآن برای ما مشخص میکند، کجا!؟ سوره مبارکه واقعه میگوید: (فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ) این خیلی قسم مهمی است. (إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ) بعد از آن این را میگوید عزیزان (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) اگر این نفی (لَا يَمَسُّهُ) به معنای نهی باشد که خوب در لسان روایات ما آمده است، بدون وضو دست به قرآن نزن، در حال جنابت به قرآن دست نزن، طهارت لازم است، اما ظاهراً این خبر، این نفی به معنای خبر است نه به معنای انشاء، چرا!؟ به آیات قبلش دقت کنید (إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ) دستت نمیرسه!!، نمیتونی بهره برداری کنی!؟ میدونید چه کسی میتونه بره برداری کنه!؟ (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) طهارت نفس لازمه، تهذیب نفس لازم است، آنوقت هم روایت داریم که در صدر مطهرون کیا هستن!؟ وجود مقدس ائمه اطهار.

امام صادق (ع) در مجمع البیان دارد که میفرماید: یه گروهی از فلسطین آمدند خدمت پدرم خدمت امام باقر (ع) گفتند این الصمد در سوره توحید چه معنایی دارد!؟ (اللهم الصمد) امام باقر (ع) فرمودند: که الصمد پنج تا حرف است که برای هر حرف یک معنایی کردند که آن بماند، بعد میفرماید واللهم اگر من فرد قابل تحمیلی را پیدا میکردم، دین و شریعت و چه و چه و چه، را از الصمد بیرون میاوردم! (شوخی و مزاح نیست)

خوب آنها در مرحله عالی اند، (خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شِهٍ مُّحَدِّقِينَ) خب من چطور!؟ شما چطور!؟ میخوایم استفاده کنیم! به مقدار طهارت نفس میتوانیم از قرآن استفاده کنیم، به مقدار طهارت نفس، بقیش لفظی بیش نیست، شاهدیم چیست!؟ آیت الله العظمی حکیم یک کتابی دارند در اصول به نام حقائق الاصول که این تعلیقات آقاست برکفایت الاصول، اصلا اصول آقای حکیم همین بوده، تعلیقات آقاست بر کفایت الاصول و یک بحثی در اصول داریم که خیلی عزیزان خودشان کاملا در جریانن، حاضر در محفل و مجلس که آیا میشود لفظ دارای دو معنا و سه معنا باشد!؟ استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد!؟ میشود!؟ یک بحثی است در اصول! آقای حکیم در ذیل این بحث یک مطلبی را بیان کرده با اینکه کتاب علمی جای بیان حکایت و چه و چه نیست! ایشان میگویند، استاد ما فرمود و نامه ای نوشته شد که مراد شما از استاد کیست! که ظاهرا فرمود آقای نائینی، استاد ما فرمود که به اصطلاح ما عده ای در نجف میرفتیم درس اخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی، که نوعا در این سده اخیر تمام رجال اخلاقی و عرفانی میرسند به آخوند، گفت ما رفتیم درس آخوند دیدیم که ایشان این آیه شریفه را (آیه ۷ سوره حجرات) که برای شما میخوانم، گفت ایشان یه آیه ای را عنوان کرد (وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ) پیغمبر (ص) بین شما هست، آگه بخواید پیغمبر (ص) به حرف همه شما گوش بدهد، مشکلات خودتان زیاد میشود بگذارید تصمیم را خود پیغمبر (ص) بگیرد، (لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَزِيَّتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ) گفت این آیه را خواند، تفسیر کرد دیدیم عجب تفسیری، خیلی لذت بردیم، گفت فردا آمدیم، همین آیه را خواند، یک معنای دیگری، یک تفسیر دومی، یک حقایق دیگری، گفتیم امروز حق آیه به جا آمد، گفت روز سوم آمدیم، همین آیه را عنوان کرد، آیت الله حکیم میگوید: یقرب ثلاثون یوما! نزدیک سی روز ما آمدیم همین آیه را عنوان کرد، هر روز چهره ای از معانی و حقایق این آیه در آورد، (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) یک جمله ای دارد عزیزان شاید در ذهن شما هم آمده، ما نمیگوییم دنبال علم نرویم، بایستی برویم، وظیفه ما وظیفه تحصیل است گاهی بعضی از جوان ها، طلاب به من میگویند، حالا من که قابل نیستم من را موعظه کن، به او میگویم چه میخوانی!؟ میگوید شرح لمعه! به او میگویم خوب بخوان، بفهم و برو جلو، دنبال حرف های زید و امر و بکر نباش، ما باید دنبال علم بریم این جای حرف نیست! اما میدونید آن نورانیت از کجا می آید!؟ میگوید (الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَّنْ يَشَاءُ)

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد،

نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد،

اگر به آب ریاضت برآوری غسلی،

همه کدورت دل را صفا توانی کرد

و گرز هستی خود بگذری یقین بدان،

که عرش و فرش و فلک زیر پا توانی کرد،

(آن بیت بعدیش را من نمیخوانم) خب وقت ما هم تمام شد چند تا دعا میکنم!

خدایا به حق محمد و آل محمد به حق انبیاء و اولیاء قسمت میدهیم الساعه زمينه شکست و نابودی این ریشه‌گندیده اسرائیل را فراهم بیاور، خدایا به محمد و آل مملکت ما، ملت ماف امت ما را در کنف امام زمان (عج) رهبر بزرگوار ما را در کنف امام زمان از جمیع بدیات حفظ بفرما، هر حاجت شرعی که در سینه جوانان هست به زودی زود برآورده به خیر بفرما من نبی و آله رحمه الله من یقرأ الفاتح مع الصلوات.